

Submit Date: 24 January 2026

Revise Date: 26 May 2026

Accept Date: 04 June 2026

Initial Publish: 06 June 2026

Final Publish: 22 June 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Comparative Analysis of the Istisna' Contract with Iranian Regulations and Its Economic Functions

Azad Rashid Azar*¹, Yousef Ebrahim²

1. Master of International Trade Law, Mar.C., Islamic Azad University, Maragheh, Iran
2. Assistant Professor, Faculty of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: Azadrashidazarpoor@gmail.com

ABSTRACT

The Istisna' contract, as one of the significant instruments in Islamic commercial jurisprudence and Islamic finance, has assumed an increasingly prominent role in legal and economic systems in recent years. This study was conducted with the aim of comparatively analyzing the juristic and legal nature of the Istisna' contract within the Iranian legal system and examining its economic functions. Within this framework, the theoretical and jurisprudential foundations of the contract were first explained based on authoritative Persian, Arabic, and comparative sources. Subsequently, employing a descriptive-analytical method and content analysis of legal documents and previous studies, the essential elements, conditions, juristic disagreements, and legal foundations of the contract were examined, and its economic principles and practical functions were analyzed. The findings indicate that despite certain differences of opinion within Islamic jurisprudence, Istisna' enjoys a reliable jurisprudential foundation and is capable of being aligned with the general principles of contract law within the Iranian legal system. Furthermore, the economic analysis demonstrated that, by facilitating installment-based payments, reducing transaction costs, and improving liquidity management, this contract can serve as an effective financing instrument for projects. Comparative examination also reveals that countries such as Malaysia and Jordan have facilitated broader utilization of this contract through the adoption of precise implementing regulations. Finally, the study concludes that Istisna' possesses considerable legal and economic capacities, and its further development in Iran requires more comprehensive regulations and greater standardization within the banking and contractual sectors.

Keywords: *Istisna', Islamic Commercial Jurisprudence, Comparative Analysis, Islamic Finance*



تاریخ ارسال: ۴ بهمن ۱۴۰۴
 تاریخ بازنگری: ۵ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ پذیرش: ۱۴ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ اولیه: ۱۶ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل تطبیقی عقد استصناع با مقررات ایران و کارکردهای اقتصادی آن

آزاد رشیدآذر^{۱*}، یوسف ابراهیمی^۲

۱. کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

۲. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Azadrashidazarpoor@gmail.com

چکیده

عقد استصناع به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم در فقه معاملات و تأمین مالی اسلامی، طی سال‌های اخیر نقش پررنگی در نظام‌های حقوقی و اقتصادی یافته است. این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی ماهیت فقهی و حقوقی عقد استصناع در نظام حقوقی ایران و بررسی کارکردهای اقتصادی آن انجام شده است. در این چارچوب، ابتدا مبانی نظری و فقهی این عقد بر اساس منابع معتبر فارسی، عربی و تطبیقی تبیین شد، سپس با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای اسناد و پژوهش‌های پیشین، ارکان، شروط، اختلاف نظرهای فقهی و مبانی حقوقی آن بررسی و مبانی اقتصادی و کارکردهای عملی آن تحلیل گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استصناع، با وجود برخی اختلافات در فقه اسلامی، از پشتوانه‌ای قابل اتکا برخوردار بوده و در نظام حقوقی ایران نیز قابلیت انطباق با قواعد عمومی قراردادها را دارد. همچنین تحلیل اقتصادی نشان داد که این عقد با فراهم کردن امکان پرداخت‌های مرحله‌ای، کاهش هزینه‌های معاملاتی و مدیریت نقدینگی، می‌تواند به‌عنوان ابزار کارآمد تأمین مالی پروژه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. بررسی تطبیقی نیز نشان می‌دهد که کشورهایمانند مالزی و اردن با تدوین مقررات اجرایی دقیق، زمینه بهره‌گیری گسترده‌تر از این عقد را فراهم کرده‌اند. در نهایت، نتیجه‌گیری پژوهش بیان می‌کند که استصناع ظرفیت‌های حقوقی و اقتصادی قابل توجهی دارد و توسعه آن در ایران نیازمند تنظیم مقررات جامع‌تر و استانداردسازی بیشتر در حوزه بانکی و قراردادی است.

کلیدواژه‌گان: استصناع، فقه معاملات، تحلیل تطبیقی، تأمین مالی اسلامی

عقد استصناع به عنوان یکی از عقود قدیمی و پرکاربرد در فقه اسلامی، نقش مهمی در تأمین نیازهای تولیدی و ساختاری جامعه ایفا می‌کند و از دیرباز در معاملات مردم و جوامع سنتی مورد استفاده قرار گرفته است (Taghavi & Bagheri, 2024). این عقد به موجب ویژگی‌های خاص خود، امکان تولید کالا یا اجرای پروژه‌های عمرانی بر اساس سفارش و پیش‌پرداخت را فراهم می‌کند و با توجه به پیچیدگی‌های مالی و فنی ساخت‌وساز یا تولید، جایگزین مناسبی برای عقود سنتی مانند سلم و جعاله به شمار می‌آید (Akhrazan, 2023; Talhi et al., 2020). در طول تاریخ، فقهای شیعه و اهل سنت درباره صحت و ماهیت عقد استصناع اختلاف نظر داشته‌اند، اما اجماع بر این است که این عقد با رعایت شرایط شرعی و ضوابط فقهی، ابزار معتبری برای تسهیل معاملات اقتصادی است (Al-Marzouqi & Al, 2021; Razayqiyah & Isa ibn Uthman ibn, 2022).

با ورود بانکداری اسلامی و گسترش پروژه‌های صنعتی و عمرانی، اهمیت عقد استصناع در تأمین مالی پروژه‌ها و توسعه اقتصادی بیش از پیش افزایش یافته است. تحقیقات نشان می‌دهد که انعقاد استصناع در چارچوب قراردادهای بانکی و مالی نیازمند تحلیل دقیق تطبیقی با سایر عقود، به‌ویژه جعاله و مقاوله، است تا هم از منظر حقوقی و هم از منظر اقتصادی، کارایی لازم را داشته باشد (Mohammadzadeh Bani & Nabizadeh, 2024; Moradi et al., 2024). همچنین، بررسی کاربردهای عملی این عقد در پروژه‌های BOT و بانک‌های اسلامی نشان می‌دهد که طراحی سازوکارهای قانونی و شرعی منسجم، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت مالی و کاهش ریسک‌های اجرایی دارد (Akhrazan, 2023; Zahid, 2015).

از منظر اقتصادی، عقد استصناع می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های معاملاتی، انعطاف‌پذیری بیشتری برای کارفرما و تولیدکننده فراهم

کند و به توسعه صنایع کوچک و متوسط کمک نماید. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که به‌کارگیری استصناع در تأمین مالی پروژه‌ها و تولید کالا، علاوه بر بهبود دسترسی به منابع مالی، به تحقق اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز کمک می‌کند (Elalaoui & Drissi, 2023; Qanet & Hasan, 2023). با این حال، محدودیت‌های قانونی و اجرایی و چالش‌های نظارت شرعی همچنان به‌عنوان نقاط ضعف این عقد در بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی مطرح هستند و نیاز به پژوهش تطبیقی جامع میان مقررات ایران و سایر کشورهای اسلامی احساس می‌شود.

با توجه به زمینه‌های فوق، پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی عقد استصناع با مقررات ایران و بررسی کارکردهای اقتصادی آن انجام می‌شود. این مطالعه با بهره‌گیری از منابع فقهی، حقوق تطبیقی و مطالعات اقتصادی، تلاش می‌کند ساختار حقوقی و اقتصادی این عقد را روشن کرده و راهکارهایی برای کاربرد بهینه آن ارائه دهد. پرسش اصلی تحقیق به شرح زیر است: عقد استصناع با مقررات ایران چگونه تطبیق می‌یابد و چه کارکردهای اقتصادی قابل توجهی در تأمین مالی و توسعه صنایع دارد؟

چارچوب نظری عقد استصناع

عقد استصناع یکی از عقود معین در فقه اسلامی است که به‌منظور تأمین نیازهای اقتصادی و تولیدی جوامع شکل گرفته و نقش مهمی در ساخت یا تولید کالاها و پروژه‌ها پیش از موجودیت آنها در زمان انعقاد قرارداد ایفا می‌کند (Al-Shanqeeti, 2024; Qanet & Hasan, 2023). این عقد، قراردادی است که در آن متعهد به تولید یا ساخت کالای مشخصی برای طرف مقابل می‌شود و تحویل آن در زمان معین صورت می‌گیرد، در حالی که موضوع قرارداد در لحظه انعقاد هنوز وجود خارجی ندارد (Al-Marzouqi & Al, 2021; Lbouk & Bouchama, 2019).

به این ترتیب، استصناع به‌عنوان ابزار حقوقی - اقتصادی، انعطاف

یعنی مستصنع، است. همچنین، اختلافاتی درباره ضرورت رعایت شرایط اضافی یا الزامات مشابه عقود دیگر وجود دارد که باید در کاربرد عملی عقد مدنظر قرار گیرد (Khan & Sanaullah, 2021).

با توجه به این چارچوب، می‌توان عقد استصناع را به‌عنوان ابزاری مؤثر در توسعه اقتصادی، کاهش هزینه‌های معاملاتی و تأمین مالی پروژه‌ها و صنایع کوچک و متوسط تلقی کرد (Elalaoui & Drissi, 2023). در بخش بعدی، این مطالعه به بررسی تطبیقی استصناع با مقررات ایران و کارکردهای اقتصادی آن خواهد پرداخت تا روشن شود چگونه می‌توان این عقد را در نظام حقوقی و اقتصادی کشور به‌صورت بهینه به کار برد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در زمینه عقد استصناع انجام شده است که هر یک به جنبه‌ای از ابعاد فقهی، حقوقی و اقتصادی این عقد پرداخته‌اند. السعدی در سال ۲۰۲۴ مطالعه‌ای با عنوان «الشَّرط الجزائی فی عقد الاستصناع المصرفی دراسة فقهیة مقاصدیة» انجام داد که به بررسی اهمیت شرط جزایی در قراردادهای استصناع بانکی پرداخته است. او با بهره‌گیری از روش تحلیلی - فقهی، اصول و ضوابط اعمال شرط جزایی را در این عقد مورد ارزیابی قرار داد و نشان داد که رعایت این شرط می‌تواند نقش مهمی در کاهش اختلافات میان طرفین و تضمین اجرای تعهدات داشته باشد (Al-Saadi, 2024).

احمد عبدالکریم محمود عنانزه در سال ۲۰۲۵ در مقاله‌ای با عنوان «تطبیقات ضمان العقد فی عقد الاستصناع والاستصناع الموازی» به بررسی ضمانت‌ها و تعهدات طرفین در عقد استصناع و نسخه موازی آن پرداخت. روش پژوهش او توصیفی - تحلیلی بود و با جمع‌آوری مسائل حقوقی و فقهی مرتبط، نشان داد که وجود سازوکارهای ضمانت باعث افزایش اطمینان طرفین و کاهش

بیشتری برای طرفین ایجاد می‌کند و امکان برنامه‌ریزی تولید و تأمین مالی پروژه‌ها را فراهم می‌آورد (Akhrazan, 2023).

از منظر فقهی، عقد استصناع با سایر عقود مشابه مانند سلم و جعاله تفاوت‌هایی دارد. در استصناع، پرداخت مبلغ و تعیین مشخصات کالای تولیدی مطابق توافق طرفین صورت می‌گیرد، اما در سلم، موضوع عمدتاً کالاهای قابل انبار و آماده برای تحویل است، در حالی که استصناع به تولید کالای جدید اختصاص دارد (Razayqiyah & Isa ibn Uthman ibn, 2022). فقها بر لزوم تعیین دقیق مشخصات موضوع، زمان تحویل، قیمت و شرایط مرتبط با کیفیت و کمیت کالای تولیدی تأکید دارند و اختلاف‌هایی نیز درباره ضرورت رعایت برخی شرایط مشابه عقود دیگر وجود دارد (Razayqiyah & Isa ibn Uthman ibn, 2022).

از منظر تاریخی، عقد استصناع در فقه اسلامی برای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و توسعه صنایع در جوامع اسلامی شکل گرفت و با گسترش فعالیت‌های صنعتی و ساخت‌وساز، اهمیت آن بیشتر شد (Al-Shanqeeti, 2024). در دوره معاصر، ورود بانکداری اسلامی و گسترش نهادهای مالی بدون ربا باعث شد استصناع به ابزار کلیدی تأمین مالی پروژه‌ها تبدیل شود و کاربرد عملی آن فراتر از جنبه صرفاً فقهی برود (Qanet & Hasan, 2023). در این کاربردهای معاصر، بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌توانند با استفاده از استصناع، پروژه‌های اقتصادی را بدون نقض اصول شریعت و بهره‌گیری از عقود ربوی تأمین مالی کنند (Zahid, 2015).

فقها عقد استصناع را در سه محور اصلی تحلیل کرده‌اند: ماهیت حقوقی و تعریف آن، تاریخچه و تطور فقهی و کاربرد عملی در نظام اقتصادی و بانکی اسلامی (Al-Zarqa, 2000; Lbouk & Meri, 2016; Bouchama, 2019). مهم‌ترین مسائل فقهی این عقد شامل تعیین دقیق مشخصات کالای تولیدی، شرایط زمان تحویل، تعیین قیمت، تضمین کیفیت و نقش کارفرمای تولیدکننده،

این مجموعه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مطالعات پیشین عمدتاً بر دو محور فقهی - حقوقی و اقتصادی تمرکز داشته‌اند و هر کدام با روش‌های تحلیلی، توصیفی یا تطبیقی به تبیین جنبه‌ای از عقد استصناع پرداخته‌اند. با این حال، خلأیی که در آن‌ها مشاهده می‌شود، عدم یکپارچگی تحلیل تطبیقی با مقررات ایران و بررسی هم‌زمان کارکردهای اقتصادی این عقد در زمینه‌های مختلف است که پژوهش حاضر تلاش می‌کند آن را پر کند.

روش تحقیق

این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی عقد استصناع در فقه و مقررات ایران و ارزیابی کارکردهای اقتصادی آن، از روش تحقیق ترکیبی تحلیلی - تطبیقی و توصیفی - کیفی استفاده می‌کند. در بخش فقهی و حقوقی، ابتدا متون فقهی شیعه و سایر مذاهب اسلامی، مقالات علمی و پایان‌نامه‌های مرتبط با عقد استصناع مورد بررسی قرار گرفت تا ارکان، شروط و اختلافات فقهی شناسایی شود. سپس قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بانکی ایران تحلیل شد و با مقررات کشورهای دیگر تطبیق داده شد تا نقاط انطباق، تضاد و خلأهای قانونی مشخص گردد. این رویکرد تحلیلی - تطبیقی امکان ارائه تصویری روشن از وضعیت حقوقی و فقهی عقد استصناع و کاربرد آن در ایران را فراهم می‌آورد.

در بخش اقتصادی، داده‌های ثانویه از مطالعات پیشین و گزارش‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی جمع‌آوری شد تا کارکردهای اقتصادی عقد استصناع، شامل کاهش هزینه‌های معاملاتی، تأمین مالی پروژه‌ها و توسعه صنایع کوچک و متوسط، بررسی شود. روش تحلیل در این مرحله توصیفی - تحلیلی است و یافته‌ها به صورت یکپارچه با نتایج تحلیل فقهی و حقوقی تلفیق می‌شوند تا تصویر کامل و علمی از قابلیت اجرایی و مزایای اقتصادی عقد استصناع ارائه شود. این ترکیب دو رویکرد حقوقی و اقتصادی، امکان پاسخگویی به سؤالات تحقیق و ارائه پیشنهادات کاربردی و مستند را فراهم می‌کند.

ریسک اجرایی قراردادهای صنعتی مؤثر است (Ananzeh, 2025).

سید محمد، حسن جلالی و احمد الفضلی در سال ۲۰۲۲ مطالعه‌ای با عنوان «الشرط الجزائی فی عقد الاستصناع (المقاوله) فی القانون المدنی العراقی والأردنی ومدی سلطه المحکمه فی تعدیله» انجام دادند که به تحلیل شرط جزایی در عقد استصناع مقاوله در حقوق مدنی عراق و اردن پرداخته است. آن‌ها با استفاده از روش تطبیقی - حقوقی، میزان اختیارات دادگاه‌ها در اصلاح یا تعدیل شرط جزایی را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که اعمال نظارت قضایی می‌تواند تعادل میان حقوق طرفین را حفظ کند و از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری نماید (Seyed et al., 2022).

در حوزه مطالعات فارسی، تقوی و باقری در سال ۲۰۲۴ پژوهشی با عنوان «تحلیل اقتصادی هزینه‌های معاملاتی عقد استصناع و نقد دستورالعمل استصناع بانکی شورای پول و اعتبار» انجام دادند. آن‌ها با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی کارکرد اقتصادی عقد استصناع و دستورالعمل بانکی مربوطه پرداختند و نشان دادند که عقد استصناع با کاهش هزینه‌های معاملاتی و ایجاد انعطاف در تأمین مالی پروژه‌ها، می‌تواند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی ایفا کند (Taghavi & Bagheri, 2024).

مرادی، امیدفرد و ابراهیمی در سال ۲۰۲۴ مطالعه‌ای با عنوان «پژوهشی در ماهیت عقد مقاوله و ارزیابی انطباق قرارداد استصناع بر آن» انجام دادند که با رویکرد تطبیقی و با استفاده از روش تحلیلی، انطباق عقد استصناع با عقد مقاوله در کشورهای اسلامی را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که تطبیق صحیح حقوقی استصناع با عقود موجود می‌تواند پایه محکمی برای صحت و مشروعیت آن در نظام حقوقی کشورها ایجاد کند و زمینه را برای به‌کارگیری گسترده‌تر آن در پروژه‌های صنعتی و ساختمانی فراهم نماید (Moradi et al., 2024).

یافته‌ها

بر اساس بررسی منابع فقهی، حقوقی و اقتصادی موجود، پژوهش‌های پیشین دیدگاه‌های متنوعی درباره عقد استصناع ارائه کرده‌اند و کاربردهای آن در بانکداری اسلامی و پروژه‌های صنعتی مورد ارزیابی قرار گرفته است. تحلیل این منابع امکان شناسایی

نقاط قوت، خلأهای قانونی و کارکردهای اقتصادی عقد استصناع را فراهم می‌آورد و زمینه را برای ارائه پیشنهادات عملی در نظام حقوقی و اقتصادی ایران مهیا می‌کند. یافته‌ها و نتایج این پژوهش‌ها در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۱: منابع استفاده‌شده در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

عنوان مقاله / پژوهش	سال نویسنده	نتیجه / یافته اصلی
تحلیل اقتصادی هزینه‌های معاملاتی عقد استصناع و نقد دستورالعمل استصناع بانکی شورای پول و اعتبار	2024 تقوی، باقری	کاهش هزینه‌های معاملاتی و افزایش انعطاف در تأمین مالی پروژه‌ها
پژوهشی در ماهیت عقد مقاوله و ارزیابی انطباق قرارداد استصناع بر آن	مرادی، ابراهیمی 2024	امیدی‌فرد، انطباق عقد استصناع با عقد مقاوله در کشورهای اسلامی و ایجاد پایه حقوقی برای کاربرد آن
چارچوب نظری و توضیح راجع به عقد استصناع	2023 قانت، حسن	نقش استصناع در توسعه محصولات شرعی بانکداری اسلامی و تأمین مالی پروژه‌ها
عقد الاستصناع واستعماله فی المصارف الإسلامیة	2023 سفیان اخرازان	کاربرد عقد استصناع در بانکداری اسلامی و پروژه‌های صنعتی و عمرانی
عقد الاستصناع وخلاف الفقهاء فیه	2022 رزایقیه	عقد استصناع جایز و دارای شروط خاص، متفاوت با عقود سلم و جعاله
<i>Istisna as a Mode of Finance and Its Practical Application</i> 2015 زاهد		استصناع ابزار کلیدی تأمین مالی بدون ربا و نقش عملی در بانک‌ها
الشَّرط الجزائی فی عقد الاستصناع المصرفی دراسة فقهیة مقاصدیة	2024 السعدی، عبدالرحمن بن رعایت شرط جزایی موجب کاهش اختلافات و تضمین اجرای تعهدات طرفین خالد	
تطبیقات ضمان العقد فی عقد الاستصناع والاستصناع الموازی	2025 احمد عبدالکریم محمود سازوکارهای ضمانت باعث افزایش اطمینان طرفین و کاهش ریسک اجرایی قرارداد عنانزه	
الشروط الجزائی فی عقد الاستصناع (المقاوله) فی القانون المدنی العراقی والأردنی 2022	سید محمد، حسن نظارت قضایی بر شرط جزایی تعادل حقوق طرفین را جلالی، احمد الفضلی حفظ می‌کند و سوءاستفاده احتمالی را کاهش می‌دهد	
<i>The Istisna Contract in Islamic Jurisprudence and Its Contemporary Forms: A Jurisprudential-Economic Study</i> 2016 مری		کیفیت و استاندارد موضوع قرارداد عامل اصلی صحت عقد استصناع است
صور عقد الاستصناع المعاصرة، وواقعه العملی: نماذج من دولة مالیزیا وبنک التنبیة الإسلامیة	2023 سفیان اخرازان	بررسی نمونه‌های عملی استصناع در پروژه‌های صنعتی و بانکی، کاربردی و مؤثر

تحلیل فقهی و حقوقی عقد استصناع

بررسی منابع فقهی و تطبیقی نشان می‌دهد که عقد استصناع از منظر فقهی و حقوقی دارای ارکان مشخصی است و در عین حال، اختلاف نظرهایی میان فقها درباره شروط و صحت آن وجود دارد. رزایقیه معتقد است که عقد استصناع جایز است و با عقود دیگر

مانند سلم و جعاله تفاوت دارد، به طوری که شروط خاص خود را نیاز دارد و اجرای آن بدون رعایت این شروط امکان‌پذیر نیست (Razayqiyah & Isa ibn Uthman ibn, 2022). السعدی در مطالعه‌ای دیگر، نقش شرط جزایی در عقد استصناع بانکی را مورد بررسی قرار داد و نشان داد که رعایت این شرط می‌تواند

برای روشن تر شدن دیدگاه‌ها و مقایسه، جدول زیر ارکان، شروط و اختلاف‌نظرهای اصلی فقها را نشان می‌دهد و تطبیق آن‌ها با مقررات ایران و نمونه کشورهای دیگر را ارائه می‌کند:

تضمین‌کننده اجرای تعهدات طرفین و کاهش اختلافات باشد (Al-Saadi, 2024). زاهد نیز تأکید کرده است که عقد استصناع در بانکداری اسلامی ابزار کلیدی تأمین مالی بدون ربا است و رعایت دقیق شروط فقهی، علاوه بر مشروعیت عقد، نقش عملی در کاهش ریسک قراردادها دارد (Zahid, 2015).

جدول ۲: مقایسه ارکان، شروط و اختلاف‌نظرهای فقهی و تطبیقی عقد استصناع و تطبیق آن با مقررات ایران و برخی کشورهای اسلامی

فقیه / پژوهشگر	ارکان اصلی عقد استصناع	شروط لازم	اختلاف‌نظرها	تطبیق با قوانین ایران و سایر کشورها
رزایقیه	تحویل، کیفیت، قیمت	تحویل کالا مطابق مشخصات	جایز بودن عقد، تفاوت با سلم و با ماده ۱۰ قانون مدنی ایران تطابق دارد، مشابه	تطبیق با مقاوله در عراق و اردن
السعدی	طرفین، موضوع، شرط شرط جزایی جهت تضمین	میزان اعمال شرط جزایی	قوانین ایران اجازه شرط جزایی محدود دارد، تطبیق	با قانون مدنی اردن مشابه است
زاهد	موضوع قرارداد، طرفین، رعایت شرایط فقهی و ابزار تأمین مالی بدون ربا	زمان تحویل	استانداردهای بانکی	با مقررات بانکداری اسلامی ایران کاملاً منطبق است
سید محمد، حسن جلالی، موضوع، طرفین، شرط اختیارات دادگاه در اصلاح نظارت قضایی بر شرط جزایی برای	احمد الفضلی	جزایی	شرط جزایی	مشابه تطبیق با قوانین مدنی عراق و اردن است
مری	کیفیت و استاندارد	صحت عقد وابسته به کیفیت اجبار رعایت کیفیت برای مشروعیت	تبادل حقوق طرفین	قوانین ایران بر کیفیت قراردادها تأکید دارد، تطبیق با استانداردهای بین‌المللی

بنابراین، تحلیل فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که عقد استصناع علاوه بر مشروعیت فقهی، ظرفیت بالایی برای کاربرد عملی در نظام حقوقی ایران و بانکداری اسلامی دارد، به شرط رعایت دقیق ارکان و شروط و توجه به تجربیات تطبیقی سایر کشورها. این پایه، زمینه را برای بخش اقتصادی و تحلیل کارکردهای عملی عقد استصناع فراهم می‌آورد.

تحلیل اقتصادی و کارکردهای عملی عقد استصناع

تحلیل منابع اقتصادی و کاربردی نشان می‌دهد که عقد استصناع در بانکداری اسلامی و پروژه‌های صنعتی و عمرانی، نقش مهمی در کاهش هزینه‌های معاملاتی، تأمین مالی و مدیریت ریسک دارد. پژوهش‌های تقوی و باقری و سفیان اخرازان تأکید دارند که استصناع با ایجاد امکان پیش‌پرداخت و توافقات زمان‌بندی شده برای تحویل کالا یا پروژه، انعطاف مالی بیشتری برای

تحلیل این جدول نشان می‌دهد که: ارکان مشترک عقد استصناع شامل طرفین، موضوع قرارداد و شروط مشخص برای اجرای صحیح آن است که این موارد در قوانین ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عراق، اردن و مالزی قابل تطبیق هستند.

اختلاف‌نظر فقها عمدتاً بر جایز بودن عقد بدون رعایت برخی شروط و نقش شرط جزایی متمرکز است که می‌تواند در عمل بر تعهدات طرفین و امنیت حقوقی قرارداد اثرگذار باشد.

تطبیق با قوانین ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد که قوانین ایران تا حد زیادی با اصول فقهی منطبق است، ولی خلأهایی در زمینه اعمال شرط جزایی و نحوه نظارت قضایی وجود دارد که با تطبیق با تجربه کشورهای دیگر قابل اصلاح است.

با نقدینگی و تأخیر در تحویل می‌شود (Zahid, 2015). برای روشن‌تر شدن کاربردهای اقتصادی و عملی عقد استصناع، جدول زیر جمع‌بندی یافته‌ها و مزایای اقتصادی هر پژوهش را نشان می‌دهد:

سرمایه‌گذاران و بانک‌ها فراهم می‌کند و از بار مالی ناشی از استفاده از تسهیلات سستی می‌کاهد (Akhrazan, 2023; Taghavi & Bagheri, 2024). مطالعه زاهد نشان می‌دهد که استصناع به‌عنوان یک ابزار تأمین مالی بدون ربا، ظرفیت بالایی برای جذب منابع نقدی و مدیریت پروژه‌ها دارد و باعث کاهش ریسک مرتبط

جدول ۳: تحلیل کارکردهای اقتصادی و کاربرد عملی عقد استصناع در بانکداری اسلامی و پروژه‌های صنعتی و عمرانی

عنوان مقاله / پژوهش	نویسنده	سال	کارکرد اقتصادی و نتیجه عملی
تحلیل اقتصادی هزینه‌های معاملاتی عقد استصناع و نقد دستورالعمل استصناع بانکی شورای پول و اعتبار	تقوی، باقری	2024	کاهش هزینه‌های معاملاتی، افزایش انعطاف در تأمین مالی پروژه‌ها، کاهش زمان اجرای قراردادها
صور عقد الاستصناع المعاصرة و واقعه العملی: نماذج من دولة مالیزیا و بنک التنمية الإسلامية	سفیان اخرازان	2023	کاربرد در پروژه‌های صنعتی و عمرانی، تضمین نقدینگی و مدیریت ریسک پروژه‌ها
چارچوب نظری و توضیح راجع به عقد استصناع	قانت، حسن	2023	توسعه محصولات شرعی بانکداری اسلامی، افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران و کاهش ریسک مالی
<i>Istisna as a Mode of Finance and Its Practical Application</i>	زاهد	2015	تأمین مالی بدون ربا، مدیریت بهتر نقدینگی، کاهش تأخیر در اجرای پروژه‌ها
دور عقد الاستصناع فی تمويل الصناعات الصغيرة والمتوسطة	طلحی، سماح و همکاران	2020	کمک به صنایع کوچک و متوسط، تسهیل دسترسی به منابع مالی، کاهش ریسک عملیاتی
<i>Islamic Housing Finance: Istisna'a Contract Model</i>	لبوق و بوشامه	2019	کاربرد استصناع در پروژه‌های BOT، بهبود نقدینگی و برنامه‌ریزی مالی بلندمدت

تحلیل جدول نشان می‌دهد که:

کاربرد عملی در پروژه‌های صنعتی و عمرانی: نمونه‌های بین‌المللی مانند مالزی و پروژه‌های BOT نشان می‌دهند که استصناع می‌تواند به شکل مؤثر در پروژه‌های بزرگ و کوچک عملیاتی شود و برنامه‌ریزی مالی بلندمدت را تسهیل کند.

کاهش هزینه‌های معاملاتی و انعطاف مالی: عقد استصناع امکان پیش‌پرداخت و زمان‌بندی تحویل را فراهم می‌کند و هزینه‌های مالی و عملیاتی پروژه‌ها را کاهش می‌دهد.

بنابراین، تحلیل اقتصادی نشان می‌دهد که عقد استصناع نه تنها از منظر حقوقی مشروع و معتبر است، بلکه از نظر عملی و اقتصادی نیز ظرفیت قابل‌توجهی برای کاهش هزینه، مدیریت ریسک و بهبود نقدینگی در پروژه‌ها و بانکداری اسلامی دارد. این یافته‌ها پایه محکمی برای تحلیل ترکیبی حقوقی و اقتصادی و ارائه پیشنهادات کاربردی در بخش بعدی مقاله فراهم می‌کنند.

مدیریت ریسک و نقدینگی: استفاده از استصناع در بانکداری اسلامی و صنایع کوچک و متوسط، ریسک ناشی از کمبود نقدینگی و تأخیر در اجرای پروژه‌ها را کاهش می‌دهد و اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد.

توسعه ابزارهای بانکداری اسلامی: استصناع به‌عنوان یک ابزار بدون ربا، امکان طراحی محصولات شرعی و تأمین مالی پروژه‌ها را فراهم می‌کند و با رعایت شروط فقهی و حقوقی، بهبود کارکرد اقتصادی آن تضمین می‌شود.

نقدینگی، کاهش هزینه‌های معاملاتی و تأمین مالی پروژه‌ها محسوب می‌شود. به‌ویژه در پروژه‌های صنعتی و عمرانی، استصناع این امکان را فراهم می‌کند که پرداخت‌ها به‌صورت مرحله‌ای تنظیم شده و از فشار نقدینگی یک‌باره جلوگیری شود. همچنین، در صنایع کوچک و متوسط، نقش مهمی در تسهیل دسترسی به منابع مالی دارد. این مزایا تنها در صورتی قابل تحقق هستند که ارکان و شروط فقهی و حقوقی آن به‌درستی رعایت شود و چارچوب حقوقی از آن حمایت کند.

به‌منظور ارائه تصویری روشن از تلفیق این حوزه‌ها، جدول زیر تطبیقی از اهم یافته‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی را در کنار یکدیگر نشان می‌دهد:

بررسی هم‌زمان داده‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی نشان می‌دهد که عقد استصناع، برخلاف بسیاری از عقود مشابه مانند سلم و جعاله، دارای ظرفیت نظام‌مند و چندلایه‌ای است که هم از منظر مشروعیت فقهی قابل دفاع است و هم از نظر حقوقی و اقتصادی قابلیت اجرا و توسعه دارد. منابع فقهی تأکید می‌کنند که استصناع مبتنی بر ساخت و سفارش کالا یا پروژه‌ای است که هنوز وجود خارجی ندارد، اما به واسطه شروط دقیق و مشخصات فنی، تبدیل به عقدی الزام‌آور و منسجم می‌شود. همین چارچوب فقهی، مبنایی برای پذیرش حقوقی آن در قوانین ایران و کشورهای اسلامی بوده و امکان اجرای آن در نظام بانکی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری را فراهم کرده است.

از سوی دیگر، یافته‌های اقتصادی نشان می‌دهد که این عقد در مقایسه با عقود سنتی، ابزار مؤثر و قابل‌انعطافی برای مدیریت

جدول ۴: مقایسه تلفیقی یافته‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی عقد استصناع و پیامدهای عملی آن

حوزه تحلیل	پیامدهای عملی	مهم‌ترین یافته‌ها
فقهی	ایجاد چارچوبی منضبط برای عقد، کاهش اختلافات، تضمین اجرای تعهدات مشروعیت عقد، لزوم تعیین کیفیت و زمان تحویل، امکان درج شرط جزایی	
حقوقی	نظارت قضایی	تقویت ضمانت اجراها، امکان دآوری و انطباق با اصل آزادی قراردادها در ایران، امکان تطبیق با قراردادهای مشابه در کشورهای اسلامی
اقتصادی	سرعت‌بخشی به پروژه‌ها، افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران، ارتقای کارایی نظام بانکی	کاهش هزینه‌های معاملاتی، مدیریت نقدینگی، تأمین مالی پروژه‌ها و صنایع

شرعی، می‌تواند از بروز اختلافات جلوگیری کرده و اعتماد طرفین را تقویت کند.

در نهایت، تلفیق یافته‌ها نشان می‌دهد که عقد استصناع ضمن برخورداری از پشتوانه قوی فقهی و انطباق حقوقی، یکی از ابزارهای کارآمد در توسعه نظام تأمین مالی اسلامی است و می‌تواند به‌عنوان جایگزینی مؤثر برای روش‌های سنتی تأمین مالی مطرح شود. این تحلیل همچنین نشان می‌دهد که کارکردهای اقتصادی این عقد، تنها زمانی به‌صورت کامل محقق می‌شوند که

تحلیل جدول نشان می‌دهد که پیوند میان مبانی فقهی و ساختار حقوقی، زمینه را برای شکل‌گیری کارکرد اقتصادی پایدار و قابل اتکا برای عقد استصناع فراهم کرده است. در صورتی که قوانین ایران با بهره‌گیری از تجربه کشورهای اسلامی مانند مالزی، اردن و عراق، چارچوب‌های دقیق‌تری برای شروط فنی، کیفیت ساخت، زمان‌بندی تحویل و مسئولیت‌های قراردادی تدوین کند، کارآمدی اقتصادی این عقد چند برابر خواهد شد. همچنین، استفاده از سازوکارهای نظارت قضایی و شرط جزایی منطبق با موازین

اجرای حقوقی آن با دقت و بر اساس معیارهای فقهی تنظیم گردد و از تجربیات تطبیقی کشورهای موفق استفاده شود.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل جامع عقد استصناع از منظر فقهی، حقوقی و اقتصادی نشان داد که این نهاد قراردادی در عین ریشه‌دار بودن در فقه اسلامی، قابلیت انطباق با نیازهای اقتصادی امروز را دارد و می‌تواند به‌عنوان یکی از کارآمدترین ابزارهای تأمین مالی در حوزه ساخت، صنعت و پروژه‌های عمرانی مورد استفاده قرار گیرد. بررسی منابع مختلف نشان داد که اگرچه این عقد در ابتدا بیشتر یک قرارداد عرفی محسوب می‌شد، اما امروزه به دلیل توسعه فعالیت‌های صنعتی و مالی، جایگاه حقوقی و اقتصادی آن اهمیت بیشتری یافته است. یافته‌ها حاکی از آن است که استصناع دارای ظرفیت‌هایی است که می‌تواند خلأ میان قراردادهای سنتی همچون سلم و جعاله را پر کند و در نظام حقوقی ایران نیز با تکیه بر قواعد عمومی قراردادهای امکان اجرا و توسعه آن فراهم است.

از دل تحلیل‌های فقهی و حقوقی روشن شد که ارکان و شروط این عقد، از جمله تعیین دقیق موضوع سفارش، زمان تحویل، کیفیت ساخت، مسئولیت‌های قراردادی و امکان درج شرط جزایی، نقش اساسی در کاهش اختلافات و تضمین اجرای صحیح قرارداد دارد. تطبیق این مبانی با قوانین ایران نشان می‌دهد که با وجود عدم تصریح قانونی، از طریق اصل آزادی قراردادهای و قواعد عمومی معاملات، امکان پذیرش و اجرای این عقد وجود دارد. بررسی تطبیقی میان تجربه ایران و برخی کشورهای اسلامی نیز نشان داد که کشورهایی مانند مالزی و اردن با تدوین دستورالعمل‌های اجرایی دقیق‌تر، توانسته‌اند کارایی این عقد را در نظام بانکی افزایش داده و آن را به‌عنوان ابزار رسمی تأمین مالی پروژه‌های کوچک و بزرگ مورد استفاده قرار دهند. از منظر اقتصادی نیز تحلیل‌ها حاکی از آن بود که استصناع به دلیل ساختار مرحله‌ای، امکان مدیریت نقدینگی، کاهش هزینه‌های معاملاتی و تخصیص

بهینه منابع را فراهم می‌کند و برای بنگاه‌ها و بانک‌ها به‌طور هم‌زمان مزایای عملی ایجاد می‌کند.

با وجود این نتایج، این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، نبود دسترسی به برخی داده‌های آماری دقیق درباره میزان به‌کارگیری واقعی عقد استصناع در نظام بانکی ایران و نیز محدودیت منابع فارسی در زمینه تحلیل اقتصادی این عقد است. همین امر ضرورت تکیه بر منابع عربی و تطبیقی را بیشتر کرد. علاوه بر این، عدم وجود مقررات یکپارچه در ایران موجب شد که تحلیل تطبیقی حقوقی بیشتر بر استخراج اصول کلی و تطبیق آن‌ها با قواعد عمومی قراردادهای استوار باشد. با این حال، این پژوهش دارای نقاط قوت مهمی است؛ از جمله اینکه به‌صورت ترکیبی و چندبعدی، مبانی فقهی، تحلیل حقوقی و کارکردهای اقتصادی را در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار داد و نشان داد که چگونه این سه حوزه می‌توانند به‌صورت هم‌افزا، چارچوبی برای فهم بهتر و اجرای دقیق‌تر این عقد فراهم کنند. همچنین، اتکا به منابع معتبر و متنوع در سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی موجب شد تحلیل‌ها جامع‌تر و دقیق‌تر شکل گیرد.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که عقد استصناع یکی از انعطاف‌پذیرترین ابزارهای قراردادهای معاصر در فقه اسلامی است که ظرفیت‌های مهمی برای توسعه مالی و اقتصادی دارد. این عقد می‌تواند به‌ویژه در حوزه تأمین مالی پروژه‌ها، صنایع کوچک و متوسط و حتی پروژه‌های زیرساختی مورد استفاده قرار گیرد، مشروط بر آنکه چارچوب حقوقی مشخص و استانداردهای فنی و مالی آن به‌صورت دقیق تنظیم شود. در ایران، با وجود فقدان قانون اختصاصی، این عقد از طریق قواعد عمومی قراردادهای قابل اعمال است و اگر دستورالعمل‌های مشخص، مشابه آنچه در کشورهای پیشرو دیده می‌شود، تدوین گردد، می‌تواند به یکی از ابزارهای مهم تأمین مالی اسلامی تبدیل شود. بنابراین، یافته‌های این پژوهش نه تنها جایگاه نظری و فقهی استصناع را روشن‌تر

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The Istisna contract occupies an important position in Islamic commercial jurisprudence because it responds to a practical economic need: the production or construction of goods, assets, and projects that do not yet exist at the time of contracting. Unlike ordinary sale contracts, Istisna is based on a prior order for manufacture or construction, in which the requested object is defined through agreed specifications, quality standards, price, and delivery conditions. This characteristic has made it particularly relevant to modern financing structures, especially where large-scale industrial, infrastructural, housing, and manufacturing projects require phased production and flexible payment arrangements. The present study comparatively analyzes the Istisna contract in relation to Iranian legal regulations and examines its economic functions in Islamic finance. The importance of this inquiry lies in the fact that although Istisna has deep roots in Islamic jurisprudence, its modern use in banking, project finance, and industrial development requires renewed legal and economic analysis. Prior studies have shown that Istisna can reduce transaction costs, facilitate financing, and provide an alternative to conventional interest-based mechanisms when properly structured within Sharia-compliant frameworks (Al-Zarqa, 2000; Taghavi & Bagheri, 2024). In this regard, the article situates Istisna at the intersection of jurisprudential legitimacy, contractual validity, and economic efficiency, arguing that its development in Iran requires more precise regulatory recognition and greater institutional standardization.

می‌کند، بلکه به‌طور عملی نیز مسیر توسعه آن را نشان می‌دهد و ضرورت توجه به تنظیم مقررات جامع و کارآمد در این حوزه را برجسته می‌سازد.

مشارکت نویسندگان

From a theoretical and jurisprudential perspective, Istisna is commonly defined as a contract in which one party requests the manufacture, construction, or production of a specified object, and the other party undertakes to deliver it according to agreed conditions. Its distinction from Salam, Ju'alah, and Muqawala has been one of the central issues in Islamic legal debate. In Salam, the subject matter is usually a fungible item whose price is paid in advance, whereas Istisna is specifically connected with production or construction and allows greater flexibility regarding payment and delivery arrangements (Khan & Sanaullah, 2021; Razayqiyah & Isa ibn Uthman ibn, 2022). Similarly, although Istisna may resemble Muqawala in practical construction projects, it retains a distinct jurisprudential character because its legitimacy depends on the precise determination of the manufactured object, delivery time, price, and quality standards (Al-Marzouqi & Al, 2021; Moradi et al., 2024). The study emphasizes that the key elements of Istisna include the contracting parties, the ordered subject matter, the agreed price, the delivery schedule, and the technical specifications of the product or project. Jurists have disagreed over some conditions of validity and binding force, yet contemporary scholarship generally recognizes Istisna as a valid contractual instrument when uncertainty, deception, and excessive ambiguity are controlled through detailed contractual terms (Meri, 2016; Razayqiyah & Isa ibn Uthman ibn, 2022). Methodologically, the study employs a descriptive–analytical and comparative approach. In the jurisprudential and legal

sections, it examines Shi'i and Sunni legal discussions, contemporary Islamic finance literature, Iranian contract principles, and comparative experiences from selected Islamic jurisdictions. The analysis focuses on the contract's essential elements, validity requirements, juristic disagreements, legal foundations, penalty clauses, guarantees, and possible conformity with Iranian contract law. In the economic section, the study relies on secondary data from prior research and Islamic finance studies to evaluate the practical functions of Istisna in project finance, banking operations, small and medium-sized industries, housing finance, and infrastructure development. Special attention is given to how the contract can reduce transaction costs, improve liquidity management, facilitate phased payments, and distribute risks more efficiently among contracting parties. The comparative method also allows the article to assess experiences from countries such as Malaysia, Jordan, and Iraq, where more detailed regulatory mechanisms have supported the practical use of Istisna in Islamic banking and construction-related contracts (Akhrazan, 2023; Lbouk & Bouchama, 2019; Seyed et al., 2022). This methodological framework enables the study to combine legal interpretation with economic analysis and to evaluate whether Istisna can function effectively within Iran's existing legal and financial architecture.

The findings show that Istisna is jurisprudentially defensible and legally adaptable to the Iranian legal system, particularly through the principle of freedom of contract and the general rules governing private agreements. Although Iranian law does not provide a fully comprehensive independent statute for Istisna, its structure can be accommodated under general contractual principles, provided that the subject matter, obligations, quality standards, delivery time, and price are sufficiently

determined. The study also finds that penalty clauses and contractual guarantees play a decisive role in ensuring performance and reducing disputes. Jurisprudential and maqasid-based analyses indicate that penalty clauses in banking Istisna can protect the parties' legitimate expectations and encourage timely performance, provided that such clauses are not used as disguised interest or unfair enrichment (Al-Saadi, 2024). Similarly, guarantee mechanisms in ordinary and parallel Istisna contracts can increase legal certainty, reduce implementation risks, and strengthen trust between Islamic banks, contractors, and clients (Ananzeh, 2025). Comparative legal studies of Iraqi and Jordanian civil law further show that judicial supervision over penalty clauses may help preserve contractual balance and prevent abuse while still respecting the binding force of contractual obligations (Seyed et al., 2022). These findings suggest that Iran can strengthen the practical use of Istisna by clarifying rules on performance guarantees, technical specifications, delay liability, quality control, and judicial or arbitral oversight.

The economic findings indicate that Istisna has significant potential as a financing instrument in Islamic banking and development-oriented economic policy. Its most important function is that it allows financing to be linked directly to production, construction, and real economic activity rather than to purely monetary lending. This connection makes Istisna especially useful for industrial projects, housing construction, infrastructure development, and small and medium-sized enterprises that require gradual financing and staged delivery. Economic analyses show that Istisna can reduce transaction costs by clarifying obligations in advance, decreasing uncertainty, and allowing parties to coordinate production, financing, and delivery within one contractual framework (Taghavi & Bagheri, 2024). It can

also support small and medium-sized industries by improving access to finance and allowing entrepreneurs to undertake production without bearing the entire initial cost alone (Talhi et al., 2020). In Islamic banking, Istisna contributes to the development of Sharia-compliant financial products by enabling banks to finance real assets and productive projects without resorting to interest-based lending (Qanet & Hasan, 2023; Zahid, 2015). Studies on housing and construction finance further indicate that Istisna can be applied to long-term project structures, including staged construction and infrastructure financing, where liquidity planning and risk distribution are essential (Elalaoui & Drissi, 2023; Lbouk & Bouchama, 2019). Therefore, the contract's economic value lies not only in its Sharia compliance but also in its capacity to improve efficiency, promote development, and align financial flows with productive economic activity.

In conclusion, the study demonstrates that the Istisna contract possesses substantial legal, jurisprudential, and economic capacities and can serve as an effective instrument for financing production, construction, industrial development, and infrastructure projects in Iran. Its strength lies in combining contractual flexibility with real-sector financing, allowing parties to design phased payment structures, manage liquidity, reduce transaction costs, and allocate risks in a more efficient manner. However, the full realization of these capacities depends on regulatory development, clearer banking standards, stronger quality-control mechanisms, and more precise rules on guarantees, delay, and contractual enforcement. The Iranian legal system already contains the general foundations needed to accommodate Istisna, but its broader and more secure application requires specialized directives and standardized contractual models adapted to banking, industrial, and construction

contexts. The comparative evidence suggests that countries with clearer implementation frameworks have been more successful in transforming Istisna from a classical jurisprudential contract into a practical instrument of Islamic finance. Accordingly, the article concludes that the future development of Istisna in Iran should move toward comprehensive regulation, institutional standardization, and coordinated interaction between jurists, lawmakers, banks, and economic actors so that this contract can become a reliable mechanism for Sharia-compliant financing and sustainable economic development.

References

- Akhrazan, S. (2023). Contemporary Forms of the Istisna Contract and Its Practical Reality: Examples from Malaysia and the Islamic Development Bank (IsDB). *Humanizing the Economy*, 1(2).
- Al-Marzouqi, A., & Al, R. (2021). The Building Istisna Contract: A Foundational Jurisprudential Study. *Journal of Scientific Research and Islamic Studies*, 13(2), 117-146.
- Al-Saadi, A. a.-R. i. K. (2024). The Penalty Clause in the Banking Istisna Contract: A Jurisprudential and Maqasid-Based Study. *Journal of the Faculty of Islamic Studies for Boys in Aswan*, 7(7), 611-664.
- Al-Shanqeeti, M. M. (2024). The Salam and Istisna Contracts and Their Role in Sustainable Development. *Journal Article*.
- Al-Zarqa, M. A. M. (2000). *The Istisna Contract and Its Importance in Contemporary Islamic Investments*. Islamic Development Bank, Islamic Research and Training Institute.
- Ananzeh, A. A. a.-K. M. (2025). Applications of Contract Guarantee in the Istisna and Parallel Istisna Contract. *Al-Mizan for Islamic and Legal Studies*, 12(2).
- Elalaoui, A. E., & Drissi, O. (2023). The Effects of the Banking Istisna Contract in Achieving Economic and Social Development. PROCEEDING ICONIEB: International Conference of Islamic Economics and Business,
- Khan, M. F., & Sanaullah, M. (2021). Istisna: A Research-Based Study in Hanafi Fiqh. *Islamic Jurisprudence Studies*.
- Lbouk, M., & Bouchama, M. (2019). Islamic Housing Finance: Istisna'a Contract Model. *Islamic Finance Journal*.
- Meri, W. (2016). The Istisna Contract in Islamic Jurisprudence and Its Contemporary Forms: A

- Jurisprudential-Economic Study. *Journal of Islamic Economics*.
- Mohammadzadeh Bani, T., & Nabizadeh. (2024). A Jurisprudential Study of Concluding an Istisna Contract in the Form of Ju'alah with a Critical Approach to the View That It Is an Independent Binding Contract. *Scientific Quarterly Journal of Economic Jurisprudence Studies*, 5(5), 1171-1186.
- Moradi, Omidifard, & Ebrahimi. (2024). A Study of the Nature of the Muqawala Contract and an Evaluation of the Conformity of the Istisna Contract with It. *Teachings of Private Law in Islamic Countries*, 1(2), 65-78.
- Qanet, A. B., & Hasan, A. (2023). The Role of the Istisna'a Contract in Developing Sharia Products for Islamic Banking in Afghanistan: An Analytical Jurisprudential Study. *International Journal of Al-Turath in Islamic Wealth and Finance*, 4(2), 81-96. <https://doi.org/10.31436/ijaiwf.v4i2.811>
- Razayqiyah, & Isa ibn Uthman ibn, M. (2022). The Istisna Contract and the Jurists' Disagreement over It. *Journal of the Faculty of Sharia and Law, Tafahna al-Ashraf, Dakahlia*, 25(1), 541-576.
- Seyed, M., Jalali, H., & Al-Fadhli, A. (2022). The Penalty Clause in the Istisna Contract (Muqawala) in Iraqi and Jordanian Civil Law and the Extent of the Court's Authority to Modify It. *Ibn Khaldun Journal for Studies and Research*, 2(9).
- Taghavi, & Bagheri. (2024). An Economic Analysis of Transaction Costs in the Istisna Contract and a Critique of the Banking Istisna Directive of the Money and Credit Council. *Contemporary Comparative Legal Studies*, 15(36), 83-109.
- Talhi, S., Awam, N., & Baaloul, N. (2020). The Role of the Istisna Contract in Financing Small and Medium Industries: The Case of Algeria. *Al-Manhal Economic Journal*, 3(1), 361-372.
- Zahid, M. (2015). Istisna as a Mode of Finance and Its Practical Application. *Al-Azhar*, 1(2.2), 45-60.